

توزیع درآمد در استان مرکزی

هادی غفاری*

طرح مسأله: در ماده ۹۵ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، دولت مکلف شده است که با اتخاذ تدابیر و راهکارهای مشخصی در جهت تحقق توزیع عادلانه‌تر درآمد بکوشد. وضعیت توزیع درآمد در استان مرکزی در دوره ۸۱-۱۳۷۶ به عنوان هدف اصلی مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. روش: روش مطالعه در این مقاله بررسی تطبیقی درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی در سطح استان و کشور و تعیین شکاف شهر و روستا است. نهایتاً شاخص‌های سنجش نابرابری رایج ملی و بین‌المللی برای استان مرکزی محاسبه و با سطح ملی مقایسه شده و مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها: بررسی و مقایسه شاخص‌های ضریب جینی، نسبت هزینه‌های مصرفی دهک دهم به دهک اول، نسبت هزینه‌های مصرفی ۲۰ درصد پردرآمدترین به ۴۰ درصد کم درآمدترین خانوارها و رفاه اجتماعی برای مناطق شهری و روستایی استان و کل کشور همگی حاکی از این است که میزان نابرابری در جامعه شهری و روستایی استان کم‌تر از متوسط میزان نابرابری در جامعه شهری و روستایی کل کشور می‌باشد. صرفاً در مورد ضریب جینی، میزان نابرابری جامعه روستایی استان بیش‌تر از متوسط میزان نابرابری جامعه روستایی در کل کشور به دست آمده است. نتایج: میزان نابرابری درآمد در مناطق شهری و روستایی استان مرکزی کم‌تر از میزان آن در کل کشور می‌باشد.

کلید واژه‌ها: استان مرکزی، ایران، توزیع درآمد، شاخص‌های توزیع درآمد

تاریخ پذیرش: ۸۷/۸/۳۰

تاریخ دریافت: ۸۷/۳/۲۲

* دکتر اقتصاد، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور استان مرکزی <hghaffari2000@yahoo.com>

۱) بیان مسأله

در فصل هشتم قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، «ارتقای امنیت از سانی و عدالت اجتماعی» مطرح شده است. در ماده ۹۵ این برنامه آمده است:

«دولت مکلف است به منظور استقرار عدالت و ثبات اجتماعی، کاهش نابرابری اجتماعی و اقتصادی، کاهش فاصله دهک‌های درآمدی و توزیع عادلانه درآمدی کشور و نیز کاهش فقر و محرومیت و توان‌مندسازی فقرا از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و یارانه‌ای پرداختی، برنامه‌های جامع فقرزدایی و عدالت اجتماعی را با محورهای مختلف که در شروع قانون آمده است به اجرا در آورد». از سوی دیگر در بند الف ماده (۸۱) ابتدای برنامه چهارم، بودجه سالانه استان‌ها بر اساس سند ملی توسعه استان می‌باشد که اهداف کمی استان را پوشش می‌دهد، لذا به نظر می‌رسد از یک سو عزم ملی برای کاهش نابرابری‌ها وجود دارد و از سوی دیگر استان‌ها متعهد به اجرای برخی وظایف از جمله کاهش نابرابری می‌باشند.

قبل از هرگونه برنامه‌ریزی و اجرا، شناسایی میزان نابرابری و ویژگی‌های آن بسیار ضروری است. در این مطالعه شاخص‌های نابرابری که استفاده آن‌ها در سطح ملی و بین‌المللی رایج می‌باشد، محاسبه و با سطح ملی مقایسه شده و مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته‌اند. امید است مطالعاتی از این سری بتواند یاری‌رسان مسئولین و برنامه‌ریزان در کاهش نابرابری‌ها و افزایش عدالت اجتماعی باشد.

تاریخ نشان می‌دهد که نابرابری‌های اجتماعی از قرن‌ها پیش در بین جوامع وجود داشته است. در جوامع کشاورزی گروهی به‌عنوان عوام و برخی به‌عنوان برده یا زمین‌بند (سرف) تلقی می‌شدند. حقوق قانونی این گروه‌ها بر حسب وظیفه‌شان تفاوت می‌یافت و مردم‌سالاری به مفهوم امروزی هیچ معنایی نداشت. تصمیم‌گیری سیاسی نوعی موهبت الهی به شمار می‌رفت که منحصراً در اختیار گروهی اندک از برگزیدگان و بزرگان قوم قرار می‌گرفت و دیگر مردمان هیچ‌گونه نقشی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی نداشتند.

با شکل‌گیری جوامع شهری و روستایی و از انقلاب صنعتی به بعد، جوامع از حالت

ستی خارج شده و به شکل مدرن تبدیل شدند. برده‌داری به مفهوم قدیم آن، در بیش‌تر کشورها مصداق نداشته و دولتمردان به فکر رشد و توسعه کشور خود بوده‌اند. در کشورهای مختلف، دستیابی به رشد اقتصادی یکی از آرزوها و آمال شناخته می‌شد، اما بسیاری از کشورهای جهان سوم که در دهه ۱۹۶۰ در مقایسه با پیشینه تاریخی، نرخ‌های رشد اقتصادی بالایی را تجربه نمودند، به تدریج تشخیص دادند که چنین رشدی فواید بسیار کمی برای مردم فقیرشان در برداشته است و رشد اقتصادی اختلاف درآمد بین ثروت‌مندان و فقرا را زیاده‌تر نموده است (Mazumdar, 1981: 75). این امر اقتصاددانان را بر آن داشت که معیارهای مختلفی را جهت محاسبه نابرابری‌ها و فقر پیشنهاد نمایند. در این راستا تلاش‌های فراوانی صورت پذیرفت و روش‌های مختلفی به صورت نظری و تجربی مورد استفاده قرار گرفت (Bowles, et al., 2001: 1137؛ لشکری و رضایی، ۱۳۷۹: ۱۸۱-۱۷۲ و Escosura, 2006: 13).

محاسبه دهک‌ها و ضریب جینی در ایران با استفاده از نتایج طرح هزینه و درآمد خانوارها به چندین سال قبل برمی‌گردد، اما محاسبه دهک‌ها و ضریب جینی در استان‌ها مرسوم نمی‌باشد (حیدری، ۱۳۸۶: ۳۶ و محمودی، ۱۳۸۶: ۲۳). پژوهش‌گران در صورت تمایل به محاسبه شاخص‌های مذکور باید اطلاعات مربوط را از مرکز آمار ایران تهیه کرده و فرآیند محاسبات را خود شخصا انجام دهند. در مقاله حاضر وضعیت توزیع درآمد در استان مرکزی در دوره ۸۱-۱۳۷۶ و مقایسه آن با کل کشور، با به‌کارگیری انواع شاخص‌های سنجش میزان نابرابری توزیع درآمد مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

۲) چارچوب نظری

به‌طور کلی روش‌های اندازه‌گیری نابرابری به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول روش اثباتی و گروه دوم روش دستوری می‌باشند (Figini, 2000: 27 Atkinson & Bourguignon, 2000: 12). مهم‌ترین شاخص‌های محاسبه توزیع درآمد و تعیین میزان نابرابری در این گروه‌ها به شرح زیر می‌باشند (Abello, 2006: 2; Cogneau & Grimm, 2004: 34).

۲-۱) روش اثباتی

این روش به این جهت اثباتی نامیده می‌شود که از تجربه و تحلیل آماری توزیع نابرابری استفاده می‌کند. این روش با موضوعات مبتنی بر واقعیات و قابل تحقیق سر و کار دارد که بر اساس شواهد تجربی آزمون‌پذیر باشند. به تعبیر اثبات‌گرایان، گزاره وقتی دارای معناست که به‌طور تجربی قابل اثبات باشد. بر این مینا، آنان علم را به تصورات برگرفته از تجربه منحصر می‌کردند، تصوراتی که به اجزای سازنده دریافت‌های حسی تحویل‌پذیرند. آگوست کنت از بنیان‌گذاران این روش در علوم اجتماعی است. خلاصه تئوری او این است که علوم اجتماعی می‌تواند، و در واقع باید، تنها بر پایه عقل و بدون دخالت پیش‌داوری‌های اخلاقی، ماوراءالطبیعی یا هنری مطالعه شود.

شاخص‌های روش اثباتی صرفاً از لحاظ آماری و ویژگی‌های توصیفی بررسی می‌شوند و فرضیات مربوط به رفاه را در نظر نمی‌گیرند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

الف) معیارهای محرومیت: ساده‌ترین شاخص‌هایی است که در نظر گرفته می‌شوند و تنها به درصد درآمد برخی گروه‌ها اشاره می‌کنند. به عنوان مثال، درصدی از درآمد که توسط ۲۰ درصد جمعیت در بالا یا پایین سطح درآمد کسب می‌شود و یا درصدی از درآمد که توسط ۲۰ درصد میانی جمعیت کسب می‌شود.

ب) نسبت محرومیت: هر ترکیبی از معیار محرومیت را گویند. برای مثال نسبت بین سهم درآمدی که توسط ۲۰ درصد پائین درآمدی کسب می‌شود به سهم درآمدی که توسط ۲۰ درصد بالای درآمدی کسب می‌شود:

$$B = y_p / y_r$$

که y_r سهم درآمدی است که توسط ثروت‌مندترین گروه کسب می‌شود و y_p سهم درآمدی است که توسط فقیرترین گروه کسب می‌شود.

شکل اصلاح شده فرمول فوق در زیر نمایش داده شده که دامنه آن بین صفر و یک

$$B = 1 - (y_p / y_r) \quad \text{است:}$$

B می‌تواند به شکل دیگری نیز محاسبه شود که شکاف بین دو سهم درآمدی را نشان

$$E = y_r - y_p \quad \text{دهد.}$$

ج) انحراف میانگین نسبی^۱: برای اجتناب از یک معیار نابرابری نظیر B که فقط به ارزش‌های حدى متمرکز می‌باشد، M را به عنوان انحراف از میانگین نسبی معرفی می‌نمایند.

$$M = (\sum_i |\mu - y_i|) / N$$

که در این جا μ میانگین درآمد می‌باشد و N تعداد طبقه یا دهک است. این شاخص به انتقال درآمد بین افراد حساس می‌باشد. اگر انتقال درآمد بین دو شخص که در دو طرف درآمد میانگین باشند اتفاق افتد، این شاخص تغییرات در توزیع را ثبت می‌کند. اگر انتقال بین دو ثروت‌مند و یا دو فقیر اتفاق افتد، شاخص تغییر نمی‌کند.

د) منحنی لورنز: یکی از روش‌های عمومی بررسی وضعیت توزیع درآمد و نابرابری، منحنی لورنز می‌باشد. این منحنی ارتباط بین درصد تجمعی تعداد خانوار یا جمعیت و درآمدی که کسب می‌کنند را نشان می‌دهد و واحدها به صورت صعودی روی محور عمودی و افقی چیده می‌شوند.

شمار دریافت‌کنندگان درآمد (بر حسب درصدهای تجمعی درآمد، نه بر حسب قدر مطلق درآمد) بر روی محور افقی ترسیم می‌شود و در واقع نقطه انتهایی محور افقی نقطه ۱۰۰ درصد جمعیت است. محور عمودی درصد کل درآمدی را که به وسیله هر گروه دریافت می‌شود نشان می‌دهد. این محور نیز بر حسب درصدهای تجمعی تا ۱۰۰ درصد در نظر گرفته شده است. بنابراین طول هر دو محور مساوی و فضای منحنی به صورت یک مربع است. در هر نقطه روی قطر درصد درآمد دریافت شده دقیقاً برابر با درصد دریافت‌کنندگان درآمد است. برای مثال نقطه‌ای که در وسط قطر قرار دارد نماینده ۵۰ درصد درآمد است که دقیقاً بین ۵۰ درصد جمعیت توزیع می‌شود. در واقع هر نقطه روی قطر مربع نمایانگر برابری کامل در توزیع درآمد خانوارها است. هر چه منحنی از قطر (خط برابری کامل) دورتر شود، درجه نابرابری بیش‌تری را نشان

1. Relative mean deviation

می‌دهد و وقتی که منحنی لورنز بر محور افقی پایین و محور عمودی سمت راست منطبق شود نابرابری کامل را نشان می‌دهد.

ه) ضریب جینی: ضریب جینی^۱ رایج‌ترین شاخص نابرابری می‌باشد. این شاخص نسبت مساحت بین منحنی لورنز و خط ۴۵ درجه را به کل مساحت زیر خط ۴۵ درجه نشان می‌دهد. از لحاظ ریاضی، جینی نصف اختلاف میانگین نسبی است (میانگین حسابی ارزش مطلق اختلاف هر جفت از درآمد می‌باشد). برای مثال اگر جینی ۰/۴ باشد انتظار می‌رود اختلاف بین هر جفت از مشاهدات که به‌طور تصادفی از توزیع انتخاب می‌گردد، ۰/۸ برابر میانگین درآمد باشد که به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

$$G = 1 / (2N^2 \mu) \cdot \sum_i \sum_j |Y_i - Y_j|$$

با داشتن داده‌های گروه‌بندی شده، فرمول دیگری برای جینی توسط محققین پیشنهاد شده است که به شرح زیر است:

$$G = 1 + 1/N - 2/N^2 \mu \cdot (y_1 + 2y_2 + \dots + ny_n)$$

که در اینجا $y_1 \geq y_2 \geq y_3 \geq y_4 \geq \dots \geq y_n$ می‌باشد (Badenes, 2003: 45). ارزش ضریب جینی بین صفر تا یک می‌باشد. با توجه به اهمیت ضریب جینی و استفاده فراوان از این شاخص فرمول‌های مختلفی جهت محاسبه آن در نظر گرفته شده است. (و معیار کاکاوانی: معیار ساده دیگری که توسط کاکاوانی (۱۹۸۰) معرفی شده است به شرح زیر می‌باشد:

$$K = (\lambda - \sqrt{2}) / (2 - \sqrt{2})$$

λ طول منحنی لورنز می‌باشد و $\sqrt{2} \leq \lambda \leq 2$ است و $0 \leq k \leq 1$ می‌باشد.

(ز) شاخص تایل:

$$T = (1/N) \sum_i (y_i / \mu) \text{Log}(y_i / \mu)$$

1. Gini index

مقدار شاخص تایل بین ۱ تا ۵ است. این شاخص نسبت به تغییرات در گروه‌های میانی درآمد حساسیت بیش‌تری دارد. شاخص تایل خانواده‌ای از شاخص‌های آنتروپی تعمیم یافته (GEM) بوده و به‌صورت زیر می‌باشد:

$$GEM = (1/\theta^2 - \theta) \left[1/N \sum_i (Y_i/\mu)^\theta - 1 \right]$$

θ پارامتری است که تابع فاصله بین واحدها را نشان می‌دهد. وقتی θ برابر ۱ باشد شاخص GEM با شاخص تایل یکسان است. وقتی θ برابر ۲ می‌باشد شاخص هرفندال به‌دست می‌آید:

$$H = \frac{1}{2} \left(\sum_i \left(\frac{y_i}{y} \right)^2 - \frac{1}{N} \right)$$

ح) شاخص فیلد: فیلد بحث خود را با انتقاد از روش شاخص‌های دیگر شروع می‌کند و این‌طور بیان می‌دارد که این شاخص‌ها جامعه را به دو گروه فقیر و ثروت‌مند تقسیم می‌کنند که به ترتیب به گروه‌های درآمد بالا و پائین اقتصاد تعلق دارند. او شاخص F را به شرح زیر تعریف می‌کند:

$$F = \left(\frac{y_r}{y_p} - 1 \right)^a \left(k + \frac{1}{\varepsilon} \frac{N_r N_p}{N^2} \right)^{1-a}$$

در اینجا y_r درآمد شخص ثروتمند در بخش بالای درآمدی، y_p درآمد شخص فقیر در قسمت پائین درآمدی، N_p, N_r به ترتیب تعداد افرادی که به گروه درآمد بالا و پائین تعلق دارند، می‌باشد و α پارامتری است که بین صفر و یک تغییر می‌یابد و k نیز پارامتر می‌باشد.

این شاخص فرآیند رشد را در سطح درآمدی بالا توصیف می‌کند. به این ترتیب که در مراحل اولیه رشد، نابرابری کاهش می‌یابد و در مراحل پایانی رشد، نابرابری افزایش می‌یابد.

۲-۲) روش دستوری

این روش به این جهت دستوری نامیده می‌شود که از تحلیل و توصیف درمی‌گذرد و به قضاوت ارزشی و تعیین عادلانه‌تر یا ناعادلانه‌تر بودن وضعیت توزیع درآمد می‌پردازد. شاخص‌های این روش با مفهوم ضمنی تابع رفاه اجتماعی تحلیل می‌شوند که نهایتاً به قضاوت دربارهٔ افزایش یا کاهش رفاه اجتماعی منجر می‌گردد.

شاخص‌های روش دستوری عبارت‌اند از:

الف) شاخص دالتون^۱: دالتون در سال ۱۹۲۰ نشان داد که سطح واقعی مطلوبیت کل، زمانی که سطح کل درآمد به طور مساوی تقسیم گردد، چگونه به دست می‌آید. فرض اولیه‌ی بر این قضیه استوار بود که اگر تابع مطلوبیت کاملاً محدب باشد و رفاه کل را حداکثر کنیم، آن‌گاه از این طریق توزیع درآمد مساوی استخراج می‌گردد.

دالتون در مورد حداکثر کردن رفاه کل اجتماعی، از نسبت رفاه کل به کل رفاه ممکن استفاده نمود که به شکل زیر می‌باشد:

$$D = 1 - (\sum u_i) / (NU_\mu)$$

در شاخص دالتون، انتقال از غنی به فقیر همیشه رفاه را افزایش می‌دهد، اما مشکل معیار دالتون این است که رابطهٔ خطی با تابع مطلوبیت دارد، لذا اگر سطح درآمد مطلق تغییر یابد، ارزش شاخص دالتون تغییر می‌کند.

ب) شاخص آتکینسون^۲: وی شاخص جدیدی را به شکل زیر معرفی نموده است:

$$y_e = y_0 \left[\sum NU_\mu = \sum \mu_i \right] \quad \text{و} \quad A = 1 - (y_e / \mu)$$

شاخص آتکینسون (۱۹۷۰) وقتی انتقال خطی رخ می‌دهد، ارزش‌ها را یکسان لحاظ می‌کند. آتکینسون y_e را در یک توزیع مفروض، معادل درآمد متعادل توزیعی^۳ تعریف می‌کند که عبارت است از درآمد سرانه‌ای که اگر به‌طور مساوی و برابر به هر یک از افراد جامعه تخصیص داده شود، کل رفاه حاصل از آن برابر با کل رفاه اجتماعی است که

1. Dalton Index
2. Atkinson Index
3. Equally Distributed Equivalent Income

به وسیله توزیع درآمد واقعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. ضمناً لا باید محذب باشد و e نمی‌تواند بزرگ‌تر از میانگین درآمد (μ) باشد. علاوه بر آن توزیعی دارای برابری بیش‌تر است که e آن به μ نزدیک‌تر باشد. شاخص آتکینسون نشان می‌دهد که با رفاه کل معلوم و مشخص، کاهش سطح درآمد ملی همراه با نابرابری است.

۳ روش مطالعه

۳-۱ نوع مطالعه و روش اجرا

در این مقاله مقدماتاً به بررسی تطبیقی درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی در سطح استان مرکزی و کل کشور در طی سال‌های ۸۱-۱۳۷۶ می‌پردازیم. بررسی شکاف شهر و روستا که از نسبت درآمد شهری به درآمد روستایی به دست می‌آید، گام دوم روش مورد استفاده در این مقاله است. سپس به منظور تبیین وضعیت توزیع درآمد در استان مرکزی در دوره مورد نظر، به تجزیه و تحلیل شاخص‌های توزیع درآمد شامل ضریب جینی، نسبت هزینه‌های مصرفی ۱۰ درصد پردرآمدترین خانوارها به ۱۰ درصد کم‌درآمدترین خانوارها، نسبت هزینه‌های مصرفی ۲۰ درصد پردرآمدترین خانوارها به ۴۰ درصد کم‌درآمدترین خانوارها و شاخص رفاه اجتماعی خواهیم پرداخت.

۳-۲ شاخص‌های مطالعه

در این بخش به بررسی تطبیقی درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی استان مرکزی با سطح ملی طی سال‌های ۸۱-۱۳۷۶ می‌پردازیم.

۳-۲-۱ بررسی درآمد خانوارهای شهری

در سال ۱۳۷۶ درآمد یک خانوار شهری در استان مرکزی به طور متوسط ۶۴۵،۷۶۹،۹ ریال بوده است که با متوسط نرخ رشد سالانه ۶/۴ درصد، در سال ۱۳۸۱ به ۶۷۷،۳۲۶،۱۳ ریال افزایش یافته است. ارقام مشابه سطوح ملی نشان می‌دهد که درآمد یک خانوار شهری

به طور متوسط ۱۲،۱۱۵،۶۵۶ ریال بوده که با متوسط نرخ رشد سالانه ۵/۸۱ درصد، در سال ۱۳۸۱ به ۱۶،۰۷۰،۳۲۴ ریال (به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶) افزایش یافته است. همان طور که ملاحظه می‌گردد متوسط درآمد یک خانوار شهری استان مرکزی در دو سال مذکور از متوسط سطح ملی پائین تر است، ولی نرخ رشد درآمد شهری استان نسبت به کشور بالاتر می‌باشد که این امر نکته مثبتی در تحولات درآمدی به حساب می‌آید.

استان مرکزی در سال ۱۳۷۶ از لحاظ درآمد خانوارهای شهری در بین استان‌های کشور در رتبه هفدهم قرار داشته که طی دوره ۸۱-۱۳۷۶ به جایگاه هیجدهم تنزل پیدا کرده است. لذا به نظر می‌رسد علی‌رغم این که نرخ رشد درآمد خانوارهای شهری استان روند بالاتری نسبت به کل کشور داشته است، ولی با وضع مطلوب فاصله دارد (جدول شماره ۱).

۲-۲-۳) بررسی درآمد خانوارهای روستائی

در سال ۱۳۷۶ درآمد یک خانوار روستائی در استان مرکزی به طور متوسط ۶،۶۷۸،۵۵۳ ریال بوده است که با متوسط نرخ رشد سالانه ۴/۸ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۷،۴۴۲،۵۵۶ ریال (به قیمت ثابت سال ۷۶) افزایش یافته است. ارقام مشابه سطح ملی از ۷،۴۴۴،۸۱۶ ریال در سال ۷۶ یا متوسط رشد سالانه ۴/۳۸ درصد به ۹،۲۲۴،۵۶۸ ریال بالغ گردیده است. همان طور که ملاحظه می‌شود در دو سال مورد بررسی متوسط درآمد یک خانوار روستائی در استان مرکزی از سطح کشور پائین تر بوده، لیکن نرخ رشد آن نسبت به کشور بالاتر بوده است. از نظر سطح درآمد خانوارهای روستائی، استان مرکزی در سال ۷۶ رتبه پانزدهم را در بین استان‌ها داشته که متأسفانه نسبت به سایر استان‌ها از رشد مناسبی برخوردار نبوده به طوری که به جایگاه هیجدهم تنزل یافته است (جدول ۱).

مقایسه درآمد خانوارهای شهری و روستائی نشان می‌دهد که در استان و کشور متوسط درآمد یک خانوار روستائی همواره پائین تر از یک خانوار شهری می‌باشد و رشد درآمدهای شهری نیز بالاتر از رشد درآمدهای روستائی است که این امر باعث ایجاد شکاف بیش تر بین شهرها و روستاها می‌گردد. هر چه شکاف درآمدی روستاها و شهرها بیش تر باشد مهاجرت به شهر تشدید می‌شود.

جدول ۱: متوسط درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی در استان مرکزی و کل کشور

رقم استان		متوسط رشد سالانه	متوسط درآمد خانوارهای شهری		
۱۳۸۱	۱۳۷۶		۱۳۸۱	۱۳۷۶	
۱۸	۱۷	۶/۴۱	۱۳۳۲۶۶۷۷	۹۷۶۹۶۴۵	استان مرکزی
-	-	۵/۸	۱۶۰۷۰۳۲۶	۱۲۱۱۵۶۵۶	کشور
رقم استان		متوسط رشد سالانه	متوسط درآمد خانوارهای روستایی		
۱۳۸۱	۱۳۷۶		۱۳۸۱	۱۳۷۶	
۱۸	۱۵	۴/۸	۸۴۴۲۵۵۶	۶۶۷۸۵۵۳	استان مرکزی
-	-	۴/۳۸	۹۲۲۴۵۶۸	۷۴۴۴۸۱۶	کشور
رتبه استان		متوسط رشد سالانه	متوسط هزینه خانوارهای شهری		
۱۳۸۱	۱۳۷۶		۱۳۸۱	۱۳۷۶	
۷	۲۱	۱۱/۲۱	۱۶۷۸۰۸۶۲	۹۸۶۴۳۶۴	استان مرکزی
-	-	۴/۹۲	۱۶۹۷۶۰۴۹	۱۳۳۴۵۸۶۳	کشور
رتبه استان		متوسط رشد سالانه	متوسط هزینه خانوارهای روستایی		
۱۳۸۱	۱۳۷۶		۱۳۸۱	۱۳۷۶	
۶	۲۱	۱۰/۰۵	۱۱۵۱۰۱۰۰	۷۱۲۹۴۰۱	استان مرکزی
-	-	۴/۰۸	۱۰۳۸۵۹۰۰	۸۵۰۵۰۲۳	کشور

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی، سال‌های ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۱.

۳-۲-۳) بررسی هزینه خانوارهای شهری

شکاف درآمدی اگر چه شاخص مهمی جهت شناسایی نابرابری توزیع درآمد بین شهر و روستا است اما متأسفانه اطلاعات درآمدی موجود قابل اتکا نمی‌باشد زیرا عمدتاً مردم تمایل به اظهار درآمدهای خود ندارند و میزان آن را کم‌تر از مقدار واقعی بیان می‌کنند. از سوی دیگر، در ایران هیچ آماری با هدف اندازه‌گیری توزیع درآمد تهیه نمی‌شود و اطلاعات موجود فقط در زمینه مصرف خانوارها می‌باشد. لذا تحلیل اقتصاددانان به منظور تشخیص شاخص‌های نابرابری عمدتاً متکی به هزینه‌ها است. البته استفاده از هزینه‌ها نیز خالی از اشکال نمی‌باشد، از آن جمله می‌توان به این مطلب اشاره نمود که در شرایط

توزیع نابرابر، شدت نابرابری در توزیع درآمد بیش‌تر از نابرابری در توزیع مصرف می‌باشد. از سوی دیگر، وجود نظام‌های حمایتی توزیع، اغلب در قالب کمک به هزینه‌های مصرفی است، لیکن به دلایل مختلف ناگزیر از استفاده هزینه‌ها به جای درآمدها هستیم (طباطبایی یزدی و ملک، ۱۳۸۵: ۶۹۰ و ابوالفتحی، ۱۳۸۵: ۷۳۵).

متوسط هزینه یک خانوار شهری در استان مرکزی از ۹۸۶۴،۳۶۴ ریال در سال ۷۶ با متوسط نرخ رشد سالانه ۱۱/۲۱ درصد به ۱۶،۷۸۰،۸۶۲ ریال (به قیمت ثابت سال ۷۶) در سال ۸۱ افزایش یافته است. ارقام معادل در سطح کشور نیز برای یک خانوار شهری به‌طور متوسط از ۱۳،۳۴۵،۸۶۳ ریال با متوسط نرخ رشد سالانه ۴/۹۳ درصد به ۱۶،۹۷۶،۰۴۹ ریال (به قیمت ثابت سال ۷۶) در سال ۸۱ رسیده است (جدول شماره ۱). متوسط هزینه یک خانوار شهری در استان از متوسط سطح کشور پائین‌تر بوده است. این اختلاف در سال ۷۶ شدیدتر بوده که به دلیل بالاتر بودن نرخ رشد هزینه‌ها در استان، این فاصله در سال ۸۱ کاهش یافته و رقم استان به سطح ملی نزدیک شده است و از لحاظ هزینه‌ها از رتبه ۲۱ به رتبه ۷ ارتقاء یافته است که به نظر می‌رسد رشد فعالیت‌های اقتصادی استان سبب ارتقاء رتبه استان از این حیث شده است و اگر چه با متوسط سطح کشور اختلاف دارد، ولی روند صعودی آن باعث بهبود وضعیت ساکنین استان شده است.

۴-۲-۳) بررسی هزینه خانوارهای روستایی

در سال ۱۳۷۶ هزینه یک خانوار روستایی در استان مرکزی به‌طور متوسط ۷،۱۲۹،۴۰۱ ریال بوده است که با متوسط نرخ رشد سالانه ۱۰/۰۵ درصد، در سال ۱۳۸۱ به ۱۱،۵۱۰،۱۰۰ ریال (به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶) افزایش یافته است. ارقام مشابه سطح ملی نشان می‌دهد که هزینه یک خانوار روستایی به‌طور متوسط ۸،۵۰۵،۰۲۲ ریال بوده که با متوسط نرخ رشد سالانه ۴/۰۸ درصد، در سال ۱۳۸۱ به ۱۰،۳۸۵،۹۰۰ ریال (به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶) بالغ گردیده است (جدول شماره ۱). همان‌طور که ملاحظه می‌شود متوسط هزینه یک خانوار روستایی در سال ۷۶ از متوسط سطح کشور پائین‌تر بوده است و با بالاتر بودن نرخ رشد هزینه در استان نسبت به کشور، هزینه خانوارهای روستایی استان مرکزی

نسبت به کشور پیشی گرفته و از رتبه ۲۱ در سال ۷۶ به رتبه ۶ ارتقاء یافته است. لذا به نظر می‌رسد که استان مرکزی از این لحاظ وضعیت مطلوبی را سپری کرده است. ضمناً به نظر می‌رسد رشد ۱۸ درصدی تولید ناخالص داخلی استان منجر به افزایش سطح درآمد خانوارها گردیده که تأثیر آن در افزایش هزینه‌های مصرفی خود را نشان داده است.

۵-۲-۳) شکاف شهر و روستا

یکی از شاخص‌های مورد استفاده در مباحث نابرابری و توزیع درآمد، شکاف شهر و روستا است که از نسبت درآمد شهری به روستائی به‌دست می‌آید. از آن‌جا که اطلاعات درآمدی قابل اتکا نیست، از نسبت هزینه شهری به هزینه روستائی استفاده شده است و برای یکسان‌سازی و کاهش اثرات تورمی، کلیه هزینه‌ها را به قیمت ثابت سال ۷۶ به‌دست آورده‌ایم.

نسبت فوق برای استان مرکزی در سال ۷۶ حدود $1/38$ می‌باشد که طی سال‌های مختلف با نوساناتی همراه بوده است. در سال ۸۰ این نسبت به حداکثر خود رسیده ($1/61$) و مجدداً در سال ۱۳۸۱ به $1/46$ کاهش یافته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که شکاف هزینه‌های شهر و روستا در استان ابتدا افزایش یافته و در سال ۱۳۸۱ با کاهش مواجهه بوده است. اما کاهش آن جبران سال‌های گذشته را ننموده و هنوز به سطح سال ۱۳۷۶ کاهش نیافته است.

نسبت مذکور برای سطح کشور از $1/57$ در سال ۱۳۷۶ با روند صعودی به $1/63$ رسیده، لذا طی سال‌های مطالعه، شکاف شهر و روستا بیش‌تر شده است. یکی از عوامل مهاجرت روستائیان به شهرها تفاوت درآمدها و نوع مشاغل در جامعه شهری و روستائی است. اکثر مشاغل موجود در جامعه روستائی را کشاورزی، صنایع دستی و یا صنایع با تکنولوژی پائین تشکیل می‌دهند، که همان‌طور که می‌دانیم ارزش افزوده این فعالیت‌ها پائین است و به تبع آن پرداختی به عوامل تولید نظیر نیروی کار نیز پائین می‌باشد. مقایسه استان مرکزی با سطح کشور نشان می‌دهد که شکاف هزینه‌ای شهر و روستا در استان در کلیه سال‌ها به مراتب کم‌تر از سطح ملی است (سرلک، ۱۳۷۹: ۱۴۵).

۳-۳) تجزیه و تحلیل شاخص‌های توزیع درآمد

همان‌طور که ملاحظه شد شاخص‌های مختلفی جهت اندازه‌گیری نابرابری وجود دارد. اگر چه محاسبه کلیه شاخص‌ها می‌تواند ما را در جهت شناسایی بهتر و دقیق‌تر مقدار و شدت نابرابری در گروه‌ها و اقشار مختلف کمک نماید، لیکن محاسبه کلیه شاخص‌ها دارای پیچیدگی‌های خاصی است و باید اطلاعاتی نظیر پارامترهای نابرابری و غیره در دسترس باشد که بتوان آن‌ها را محاسبه نمود و این امر امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ لذا از محاسبه کلیه شاخص‌ها اجتناب گردیده و تعدادی منتخب از شاخص‌های نابرابری محاسبه شده است. در این مقاله از شاخص‌های نابرابری نظیر ضریب جینی، سهم دهک‌ها و نسبت‌های آن‌ها و همچنین شاخص رفاه که در تجزیه و تحلیل‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند استفاده شده که به شرح هر یک از آن‌ها می‌پردازیم. لازم به ذکر است در مطالعات مختلف نشان داده شده که هیچ‌یک از شاخص‌ها بر دیگری برتری ندارد و هر شاخص به یک مشخصه نابرابری می‌پردازد.

۳-۳-۱) ضریب جینی

برای محاسبه ضریب جینی کشور و استان، چندین فرمول مورد استفاده قرار گرفته و سپس نتایج آن‌ها با یکدیگر مقایسه گردید. به طور کلی فرمول‌های متکی بر گروه‌های درآمدی دارای اختلاف فاحشی بودند ولی فرمول‌های متکی بر دهک‌ها نتایج بهتری را نشان می‌دادند، لذا در این مقاله از فرمول زیر (که متکی بر دهک‌های هزینه‌ای می‌باشد) جهت محاسبه ضریب جینی استفاده شده است.

$$G=1-2 \left[\frac{\sum_{i=1}^N (N-i)x_i}{(N-1)x} \right]$$

طبق محاسبات به عمل آمده، ضریب جینی در مناطق شهری استان تا سال ۱۳۸۰ روند افزایشی داشته و از ۰/۳۴ در سال ۱۳۷۶ به ۰/۴ در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته و مجدداً در سال ۱۳۸۱ به ۰/۳۶ تنزل کرده که نشان‌دهنده بهبود اندکی در وضعیت اقشار کم‌درآمد و عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد می‌باشد که البته این بهبود وضعیت، نسبت به سال‌های ۷۷ تا ۸۰ بوده، لیکن نسبت به سال ۷۶ توزیع درآمد نابرابرتر است. در مناطق شهری کشور، ضریب جینی در سال ۷۶، ۰/۴۲ بوده که در سال‌های ۷۹ و ۸۰ به ترتیب به ۰/۴۳ و ۰/۴۴ افزایش یافته و مجدداً در سال ۸۱ به ۰/۴۳ رسیده است.

چنانچه در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، ضریب جینی طی دوره مورد بررسی در مناطق شهری استان کم‌تر از سطح کشور است که نشان می‌دهد توزیع درآمد در این سال‌ها در سطح شهرهای استان عادلانه‌تر بوده و یا به بیان دیگر شدت نابرابری توزیع درآمد در سطح شهرهای استان کم‌تر از کشور بوده است.

جدول ۲: مقایسه ضریب جینی استان مرکزی و کشور طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۱

سال	شهری		روستایی	
	استان	کشور	استان	کشور
۱۳۷۶	۰/۳۴	۰/۴۲	۰/۴۲	۰/۴۵
۱۳۷۷	۰/۴	۰/۴۲	۰/۴۵	۰/۴۷
۱۳۷۸	۰/۴۱	۰/۴۲	۰/۴۴	۰/۴۶
۱۳۷۹	۰/۴۱	۰/۴۳	۰/۴۸	۰/۴۶
۱۳۸۰	۰/۴	۰/۴۲	۰/۴۹	۰/۴۵
۱۳۸۱	۰/۳۶	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۴۵

مأخذ: محاسبات تحقیق

طی دوره مذکور ضریب جینی در مناطق روستایی استان نسبت به مناطق شهری با نوسانات بیش‌تری رو به رو بوده، به طوری که از ۰/۴۲ در سال ۷۶ به ترتیب به ۰/۴۸ و ۰/۴۹ در سال‌های ۷۹ و ۸۰ افزایش و مجدداً در سال ۸۱ به ۰/۴۳ کاهش یافته است و

لیکن هنوز نسبت به سال ۷۶ بالاتر می‌باشد.

این شاخص در مناطق روستایی کشور در سال ۷۶، ۰/۴۵ بوده که در سال ۷۷ با کمی افزایش به ۰/۴۷ رسیده و سپس در سال‌های بعد به ۰/۴۶ و ۰/۴۵ کاهش یافته است. مقایسه شاخص نابرابری جینی در مناطق روستایی استان و کشور نشان می‌دهد که طی سال‌های ۷۸-۷۶ نابرابری در کشور بیش‌تر از استان بوده، در سال‌های ۷۹ و ۸۰ ضریب جینی استان با افزایش شدیدی روبه‌رو شده که بیانگر افزایش شدت نابرابری در سطح روستاهای استان نسبت به کشور می‌باشد و مجدداً در سال ۸۱ ضریب جینی استان به ۰/۴۳ و ضریب جینی کشور به ۰/۴۵ تغییر یافته که بیانگر بهبود نسبی توزیع درآمد در مناطق روستایی استان است.

به‌طور کلی مقایسه ضریب جینی مناطق شهری و روستایی کشور بیانگر آن است که شدت نابرابری توزیع درآمد در روستاها بیش‌تر از شهرها می‌باشد که این امر در مورد استان مرکزی نیز صادق است به طوری که در تمام سال‌های مورد مطالعه نابرابری در روستاهای استان بیش‌تر از شهرها است. ضمناً طی دوره مذکور این ضریب در مناطق روستایی با نوسانات بیش‌تری نسبت به مناطق شهری رو به رو بوده است.

۲-۳-۳) نسبت هزینه‌های مصرفی ۱۰ درصد پردرآمدترین خانوارها به ۱۰ درصد کم‌درآمدترین خانوارها

یکی از شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد، نسبت هزینه‌های مصرفی ۱۰ درصد پردرآمدترین به ۱۰ درصد کم‌درآمدترین افراد جامعه و همچنین شاخص ۲۰ درصد افراد با بالاترین درآمد به ۴۰ درصد افراد با پائین‌ترین درآمد می‌باشد. این شاخص‌ها از جمله شاخص‌های اثباتی هستند که در زمره شاخص‌ها و یا معیارهای محرومیت و نسبت محرومیت محسوب می‌شوند.

شاخص نسبت هزینه‌های مصرفی ۱۰ درصد بالای درآمدی به ۱۰ درصد پائین درآمدی در سال ۱۳۷۶ در مناطق روستایی استان ۱۴/۹۲ بوده است. این امر به این معنی

است که هزینه‌های مصرفی ۱۰ درصد پردرآمدترین افراد جامعه روستائی استان ۱۴/۹۲ برابر هزینه‌های مصرفی ۱۰ درصد کم‌درآمدترین افراد جامعه روستائی می‌باشد. در گذر از سال ۱۳۷۶ به سال‌های بعد، این شاخص با نوسانات متعددی روبه‌رو بوده است. همان‌طور که از جدول شماره ۳ ملاحظه می‌گردد، این شاخص در سال ۱۳۷۷ به ۲۳/۷ برابر و در سال ۱۳۷۸ با کمی کاهش به ۲۱/۷۲ برابر و سپس در سال ۱۳۷۹ به ماکزیمم مقدار خود یعنی ۲۸ برابر رسیده است که جای تأمل بسیاری دارد. متأسفانه در سال ۱۳۷۹ اکثر شاخص‌های نابرابری به حداکثر رسیده است. شاخص مورد نظر در سال ۱۳۸۱ به حداقل خود یعنی ۱۴/۴۶ برابر رسیده است به عبارت دیگر در دو سال ۱۳۷۶ و ۱۳۸۱ شاخص مذکور وضعیت بهتری را نسبت به سال‌های میانی نشان می‌دهد.

جدول ۳: نسبت هزینه‌های مصرفی ۱۰ درصد پردرآمدترین افراد به ۱۰ درصد کم‌درآمدترین افراد در جامعه شهری و روستائی در سطح استان و کشور

۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	
۱۴/۴۶	۲۵/۴۰	۲۸/۰۰	۲۱/۷۲	۲۳/۷۰	۱۴/۹۲	روستائی استان
۱۹/۵۰	۱۹/۵۹	۲۰/۱۳	۱۹/۵۳	۲۲/۳۲	۱۹/۸۲	روستائی کشور
۹/۰۷	۱۱/۳۱	۳۳/۹۰	۱۶/۸۷	۱۸/۱۲	۸/۶۳	شهری استان
۱۵/۴۶	۱۸/۸۹	۱۴/۱۷	۱۳/۱۱	۱۳/۳۱	۱۳/۴۰	شهری کشور

مأخذ: محاسبات تحقیق

ارقام مشابه در مناطق روستائی کشور بیان‌گر شدت تغییرات کم‌تری نسبت به استان می‌باشد، به طوری که از ۱۹/۸۲ برابر در سال ۱۳۷۶ به ۱۹/۵ برابر در سال ۱۳۸۱ کاهش یافته است و در سال‌های میانی بیش‌ترین نابرابری (۲۲/۳۲) در سال ۱۳۷۷ دیده می‌شود. همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌گردد، وضعیت توزیع درآمد جامعه روستائی استان در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۱ بهتر از وضعیت کشور بوده ولی طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۷ وضعیت شکاف درآمدی مناطق روستائی کشور بهتر از استان بوده است.

در جامعه شهری استان بیشترین فاصله درآمدی بین پردرآمدترین و کمدرآمدترین افراد مربوط به سال ۱۳۷۷ و خصوصاً سال ۱۳۷۹ است. همانطور که در جدول شماره ۳ نیز مشاهده می‌شود، هزینه‌های مصرفی بالاترین دهک درآمدی در شهرها در سال ۷۶ حدود ۸/۶ برابر هزینه‌های مصرفی پائین‌ترین دهک درآمدی بوده که با افزایش شدیدی به ۱۸/۱ برابر در سال ۷۷ رسیده است. در سال ۷۹ مجدداً با افزایش شدیدی نسبت به سال ۷۸ از ۱۶/۸۷ به ۳۳/۹ برابر تغییر یافته که در واقع بیانگر افزایش شدت نابرابری توزیع درآمد در گروه‌های حدی است.

در سال‌های ۸۰ و ۸۱ وضعیت توزیع درآمد در استان بهبود یافته و نسبت هزینه‌های مصرفی بالاترین دهک درآمدی در جامعه شهری به ترتیب ۱۱/۳ و ۹/۰۷ برابر هزینه‌های مصرفی پائین‌ترین دهک درآمدی می‌باشد که این امر در بررسی سهم دهک‌های درآمدی نیز به وضوح قابل مشاهده است.

در جامعه شهری کشور، بیشترین فاصله درآمدی بین دو گروه حدی (پردرآمدترین و کمدرآمدترین) مربوط به سال‌های ۸۰ و ۸۱ است که به ترتیب حدود ۱۸/۹ و ۱۵/۵ برابر بوده است. مقایسه مناطق شهری استان و کشور نشان می‌دهد که روند تغییرات این شاخص همسو نبوده است. در سال‌های ابتدایی و انتهایی دوره مورد بررسی وضعیت توزیع درآمد در شهرهای استان بهتر از سطح کشور بوده لیکن در سال‌های میانی، به‌ویژه در سال‌های ۷۷ و ۷۹، استان وضعیت نامناسب‌تری را نسبت به کشور تجربه نموده و توزیع درآمد ناعادلانه‌تری را شاهد بوده است.

۳-۳-۳) نسبت هزینه‌های مصرفی ۲۰ درصد خانوارهای با بالاترین درآمد به ۴۰ درصد خانوارهای با پائین‌ترین درآمد

شاخص نسبت هزینه‌های مصرفی ۱۰ درصد پردرآمدترین به ۱۰ درصد کمدرآمدترین افراد جامعه، وضعیت توزیع درآمد را در حالت‌های حدی نشان می‌دهد برای وسیع‌تر شدن دامنه بررسی و مقایسه گروه‌های مختلف درآمدی، از شاخص دیگری که از نسبت ۲۰ درصد هزینه‌های مصرفی افراد با بالاترین درآمد جامعه به ۴۰ درصد افراد با پایین‌ترین

درآمد به دست می‌آید، استفاده شده است.

در جامعه روستایی استان سهم هزینه‌های ۲۰ درصد افراد با درآمد بالا در سال ۷۶ حدود ۲/۸ برابر هزینه‌های مصرفی ۴۰ درصد افراد کم درآمد بوده که به ۲/۸۴ برابر در سال ۸۱ تغییر یافته است. بیش‌ترین شکاف طی این دوره مربوط به سال‌های ۷۹ و ۸۰ است که به ترتیب ۲/۵۴ و ۳/۷۷ برابر بوده است. رقم معادل این شاخص در سطح کشور در سال ۷۶ حدود ۳/۱۵ بوده که به ۳/۰۴ در سال ۱۳۸۱ کاهش یافته است (جدول شماره ۴). نوسانات شاخص مذکور در نقاط روستایی کشور کم‌تر از استان بوده، لیکن در مجموع نسبت هزینه‌های مصرفی ۲۰ درصد افراد با بالاترین درآمد به ۴۰ درصد افراد با پایین‌ترین درآمد مناطق روستایی کشور بیش‌تر از استان است که بیان‌گر مطلوب‌تر بودن وضعیت توزیع درآمد در استان می‌باشد.

جدول ۴: نسبت هزینه‌های مصرفی ۲۰ درصد پردرآمدترین به ۴۰ درصد کم‌درآمدترین افراد در جامعه شهری و روستایی در سطح استان و کشور

۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	
۲/۸۴	۳/۷۷	۳/۵۴	۲/۸۶	۳/۱۱	۲/۷۷	روستایی استان
۳/۰۴	۳/۱۰	۳/۲۴	۳/۲۰	۳/۴۳	۳/۱۵	روستایی کشور
۲/۱۱	۲/۴۹	۲/۵۱	۲/۵۷	۲/۴۹	۱/۸۶	شهری استان
۲/۸۰	۲/۹۳	۲/۷۳	۲/۶۳	۲/۶۲	۲/۶۱	شهری کشور

ماخذ: محاسبات تحقیق

در مناطق شهری استان در سال ۷۶ هزینه‌های مصرفی ۲۰ درصد افراد با درآمد بالا ۱/۸۶ برابر هزینه‌های مصرفی ۴۰ درصد افراد کم‌درآمد بوده که به ۲/۱۱ برابر در سال ۸۱ بالغ گردیده است. در دو سال ابتدا و انتهای دوره وضعیت بهتر بوده ولی در سال‌های میانی اختلاف بیش‌تر است (جدول شماره ۴). شاخص فوق در مناطق شهری کشور تا سال ۸۰ روند یکنواخت صعودی داشته و از ۲/۶۱ به ۲/۹۳ برابر افزایش یافته، لیکن در

سال ۸۱ وضعیت اندکی بهبود یافته و به $2/8$ برابر تقلیل یافته است. به طور خلاصه می‌توان گفت در بیش‌تر سال‌های مورد بررسی شکاف درآمدی و شدت نابرابری توزیع درآمد در جامعه روستایی استان و کشور نسبت به جامعه شهری بیش‌تر بوده است.

۴-۳-۳) شاخص رفاه اجتماعی

شاخص رفاه اجتماعی در واقع رابطه بین درآمد سرانه و میزان نابرابری در توزیع درآمد را نشان می‌دهد و یکی از معیارهای منظم در بررسی وضعیت رفاه جامعه می‌باشد. شاخص رفاه اجتماعی یکی از سنجش‌های مهم در تشخیص وضعیت جامعه بوده و میزان درآمد ایجاد شده و نحوه توزیع آن را توأمآ مورد ارزیابی قرار می‌دهد. نحوه محاسبه این شاخص به شرح زیر می‌باشد: $A \cdot (1-G)$ = شاخص رفاه اجتماعی

که در آن A = درآمد ملی سرانه به قیمت ثابت و G = ضریب جینی می‌باشد.

برای محاسبه شاخص رفاه اجتماعی در سطح کشور مشکل خاصی وجود ندارد ولی در سطح استان‌ها درآمد ملی سرانه محاسبه نشده است. طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۹ مرکز آمار اقدام به انتشار حساب‌های تولید استان‌ها نموده است که در حساب‌های مذکور به تولید ناخالص داخلی بسنده شده است. برای محاسبه شاخص رفاه اجتماعی در سطح استان ابتدا تولید ناخالص داخلی را به قیمت ثابت ۱۳۷۶ تعدیل نموده و از آن جایی که ضریب جینی محاسبه شده برای جامعه شهری و روستایی متفاوت می‌باشد، لذا با استفاده از فرمول فوق شاخص رفاه به دو شکل محاسبه شده است.

جهت مقایسه شاخص رفاه استان با کشور، از تولید ناخالص داخلی سرانه کشور به جای درآمد ملی سرانه استفاده گردیده و از ضریب جینی شهری و روستایی اقدام به محاسبه شاخص رفاه بر اساس دو ضریب فوق شده است.

مطابق جدول شماره ۵، شاخص رفاه اجتماعی بر اساس دو ضریب در استان و کشور با افزایش مواجهه بوده است و ای شاخص استان نسبت به سطح ملی از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار می‌باشد، زیرا تولید ناخالص داخلی سرانه استان بالاتر از سطح ملی است. با توجه به این‌که کل ارزش افزوده استان به درون استان بر نمی‌گردد، لذا استفاده از شاخص فوق برای استان تورش ایجاد می‌کند.

جدول ۵: مقایسه شاخص رفاه اجتماعی استان و کشور در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰

۱۳۸۰		۱۳۷۹		شرح
کشور	استان	کشور	استان	
۵۷۴۹	۸۳۱۷	۵۴۸۶	۶۱۷۸	تولید ناخالص داخلی سرانه (هزار ریال)
۰/۴۳	۰/۴	۰/۴۳	۰/۴۱	ضریب جینی شهری
۰/۴۵	۰/۴۹	۰/۴۶	۰/۴۸	ضریب جینی روستایی
۳۲۷۷	۴۳۹۰	۳۱۲۷	۳۶۴۵	شاخص رفاه براساس ضریب جینی شهری
۳۱۶۲	۳۷۳۲	۲۹۶۲	۳۲۱۳	شاخص رفاه براساس ضریب جینی روستایی

منبع: محاسبات تحقیق

۴) یافته‌ها

در بررسی درآمد خانوارهای شهری استان ملاحظه گردید که طی سال‌های ۸۱-۱۳۷۶ درآمد خانوارها به قیمت ثابت به طور متوسط، ۶/۴۱ درصد (در کل کشور ۵/۸ درصد) رشد داشته و استان در رده هجدهم قرار داشته است. درآمد خانوارهای روستایی استان نیز با متوسط رشد ۴/۸ درصد در طی سال‌های ۸۱-۱۳۷۶ مواجه بوده و استان در سال ۸۱ در رده هجدهم قرار دارد.

متوسط رشد سالانه هزینه خانوارهای شهری استان طی سال‌های ۸۱-۱۳۷۶، ۱۱/۲۱ درصد بوده و استان در سال ۸۱ در جایگاه هفتم قرار داشته است.

متوسط رشد سالانه هزینه خانوارهای روستایی استان طی سال‌های ۸۱-۱۳۷۶، ۱۰/۰۵ درصد بوده و استان در سال ۱۳۸۱ در جایگاه هفتم قرار دارد.

طبق بررسی‌های به عمل آمده ملاحظه گردید که طی سال‌های ۸۱-۱۳۷۶ مجموع هزینه‌ها (به قیمت ثابت سال ۷۶) از مجموع درآمدها در کلیه استان‌ها بیش‌تر بوده، لذا تحلیل مبتنی بر درآمد قابل اتکا نمی‌باشد؛ بنابراین کلیه تحلیل‌ها بر مبنای هزینه‌ها صورت پذیرفت.

نسبت هزینه خانوارهای شهری به خانوارهای روستایی در سال ۸۱ حدود ۱/۴۶ می‌باشد، به عبارت دیگر خانوارهای شهری ۱/۴۶ برابر روستائیان هزینه می‌کنند و استان از

لحاظ شکاف بین شهر و روستا در جایگاه یازدهم در بین کل استان‌های کشور قرار دارد. روند ضریب جینی استان نشان می‌دهد که این ضریب در مناطق شهری همواره از کشور پایین‌تر بوده، لذا نابرابری جامعه شهری استان نسبت به کشور کم‌تر می‌باشد ولی در مناطق روستایی ضریب جینی استان بیش از کشور است که حاکی از آن است که نابرابری جامعه روستایی استان نسبت به کل کشور بیش‌تر است.

دهک دهم استان در مناطق شهری در سال ۸۱ حدود ۹/۰۷ برابر دهک اول هزینه کرده است که این رقم در مناطق شهری کشور ۱۵/۴۶ برابر می‌باشد. لذا نابرابری در جامعه شهری استان کم‌تر از جامعه شهری کشور است. دهک دهم استان در مناطق روستایی ۱۴/۴۶ برابر دهک اول هزینه نموده‌اند که در مقایسه با کشور (۱۶/۵ برابر) رقم پائین‌تری است که نشان می‌دهد اختلاف دهک اول و دهم در جامعه روستایی استان نسبت به کشور کم‌تر است.

بررسی روند نسبت دهک دهم به دهک اول نشان می‌دهد که اگر چه در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۱ وضعیت استان به مراتب بهتر از کل کشور می‌باشد، ولی در سال‌های ۸۰-۱۳۷۷ وضعیت جامعه روستایی استان به مراتب وضعیت نامناسب‌تری نسبت به کشور دارد و در جامعه شهری نیز در سال‌های ۷۹-۱۳۷۷ وضعیت استان از کشور نامناسب‌تر می‌باشد. مقایسه نسبت هزینه ۲۰ درصد پردرآمدترین به ۴۰ درصد کم‌درآمدترین افراد جامعه شهری استان نشان می‌دهد که طی سال‌های ۸۱-۱۳۷۶ وضعیت استان به مراتب بهتر از کشور است و لذا نابرابری در جامعه شهری و در طبقات میانی کم‌تر از کشور می‌باشد. محاسبات نشان می‌دهد که در سال ۸۱ دو دهک بالا، هزینه‌ای ۲/۱۱ برابر چهار دهک پایینی هزینه کرده است که در مقایسه با کشور (۲/۸ برابر) رقم پائین‌تری است. مقایسه نسبت فوق برای جامعه روستایی نشان می‌دهد که در سال ۸۱، دو دهک بالایی ۲/۸۴ برابر چهار دهک پایینی هزینه کرده‌اند که در مقایسه با سطح ملی (۳/۰۴ برابر) نابرابری کم‌تری را نشان می‌دهد.

شاخص رفاه اجتماعی استان نشان می‌دهد که استان به مراتب وضعیت بهتری نسبت به کشور دارد که این امر به دلیل بالا بودن ارزش افزوده استان می‌باشد. با توجه به اینکه کل ارزش افزوده استان در درون استان ماندگار نیست، لذا استفاده از این شاخص در استان‌ها تورش ایجاد می‌کند.

۵) نتیجه گیری

بررسی و مقایسه شاخص‌های ضریب جینی، نسبت هزینه‌های مصرفی دهک دهم به دهک اول، نسبت هزینه‌های مصرفی ۲۰ درصد پردرآمدترین به ۴۰ درصد کم‌درآمدترین خانوارها و رفاه اجتماعی برای مناطق شهری و روستایی استان و کل کشور همگی حاکی از این است که میزان نابرابری در جامعه شهری و روستایی استان کم‌تر از متوسط میزان نابرابری در جامعه شهری و روستایی کل کشور می‌باشد. صرفاً در مورد ضریب جینی، میزان نابرابری جامعه روستایی استان بیش‌تر از متوسط میزان نابرابری جامعه روستایی در کل کشور به‌دست آمده است.

شاید مهم‌ترین علت و دلیل برابرتر بودن توزیع درآمد در استان نسبت به میانگین کل کشور، فقدان تفاوت‌های فاحش سطوح درآمد در اقشار مختلف در سطح استان در مقایسه با کل کشور باشد. ساختار صنعتی، کشاورزی و خدماتی تقریباً متعادل، و همگونی‌ای که در سطح استان مشاهده می‌شود، در مقایسه با گستره کشور که از پراکندگی، ناهمسانی و ناهمگونی بیش‌تری برخوردار است، باعث توزیع برابرتر درآمد در استان در مقایسه با کل کشور می‌گردد.

پیشنهادات، راهکارها و توصیه‌های سیاستی که برای بهبود وضعیت توزیع درآمد می‌توان ارائه داد عبارت‌اند از:

الف) هدف‌مند نمودن یارانه‌ها به سمت گروه‌های آسیب‌پذیر و اقشار نیازمند جامعه؛
ب) استقرار نظام شناسایی خانوارهای کم درآمد و متوسط (به منظور تسریع در هدف‌مند شدن یارانه‌ها)؛

ج) اصلاح قیمت‌های نسبی به‌خصوص قیمت حامل‌های انرژی؛
د) برپایی نظام جامع، فراگیر و کارآمد تامین اجتماعی با هدف تامین رفاه جامعه و پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی مردم و تحقق عدالت اجتماعی؛

ه) تامین حداقل معیشت مردم و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر شامل بهره‌مندی از بهداشت عمومی، برخورداری از آموزش و پرورش عمومی، داشتن حداقل سرپناه قابل قبول و امنیت غذایی؛

- و) توسعه کارآفرینی و توانمندسازی فقرا و اقشار کم درآمد؛
- ز) حذف زمینه‌های مربوط به کسب درآمدهای بادآورده و درآمدهای ناشی از امتیازات خاص؛
- ح) توجه به توسعه مناطق روستایی و محروم کشور به منظور رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای؛
- ط) ایجاد فرصت‌های برابر اجتماعی برای کسب آموزش و مهارت و دسترسی به سرمایه‌های مالی و فیزیکی از طریق بازارهای مناسب؛
- ی) نهادینه کردن امنیت غذایی و بهبود تغذیه مردم و ارتقای سلامت جامعه؛
- ک) ایجاد یک نظام مالیاتی مناسب و کارآ در جهت بهبود توزیع درآمدها.



- ابوالفتحی، لیلا. (۱۳۸۵)، "میزان نابرابری درآمد در کشور در سال ۱۳۸۲"، در کتاب پژوهشهای راهبردی در توسعه اقتصادی ایران، جلد اول، محمد باقر نوبخت، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- حیدری، محمد جواد. (۱۳۸۶)، "توزیع درآمد در اقتصاد ایران و راهکارهای بهبود آن"، هفته نامه آتیه، شماره ۶۵۲.
- سرلک، احمد. (۱۳۷۹)، "تحلیلی بر توزیع درآمد در استان مرکزی"، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان، شماره ۳ و ۴.
- طباطبایی یزدی، رویا و ملک، فردریک. (۱۳۸۵)، "محاسبه فقر و نابرابری در ایران بر اساس فقر مادی"، در کتاب پژوهشهای راهبردی در توسعه اقتصادی ایران، جلد اول، محمد باقر نوبخت، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- لشکری، محمد و رضایی، مهین. (۱۳۷۹)، "توزیع درآمد بین عوامل تولید"، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۶۲-۱۶۱.
- محمودی، وحید. (۱۳۸۶)، اندازه گیری فقر و توزیع درآمد در ایران، تهران، انتشارات سمت.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی، سالهای ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۱.
- Abello, A. (2006), "The Sensitivity of Income Distribution Measures to Changes in Survey Collection Tools and Estimation Techniques in Australia", at 29th General Conference International Association for Research in Income and Wealth, Joensuu, Finland.
- Atkinson, A.B. & Bourguignon, F. (2000), Handbook of Income Distribution, Elsevier.
- Badenes, N. (2003), Approximation of Gini Index from Grouped Data, Univesidad Complutense, Madrid.
- Bowles, S.; Gintis, H. & Osborne, M. (2001), "The Determinants of Earnings: A Behavioural Approach", Journal of Economic Literature, 39(4).
- Cogneau, D. & Grimm, M. (2004), The Measurement of Income Distribution Dynamics when Demographics Are Correlated with Income, Dept. of Economics, University of Gottingen, Berlin.

- Escosura, L.P. (2006), "Growth, Inequality and Poverty in Spain 1850-2000; Evidence and Speculation", International Economic History Association Congress, Helsinki.
- Figini, P. (2000), "Measuring Inequality: On the Correlation between Indices, Luxembourg Income Study", Working Paper, No. 229.
- Mazumdar, D. (1981), The Urban Labor Market and Income Distribution: A Case Study of Malaysia, Oxford, Oxford University Press.



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فرانسې
پرتال جامع علوم انسانی